



عمل جراحی قلب در مرکز پزشکی مایو، ساعت ۶ صبح روز جمعه ۳۰ دی ماه تهران را به مقصد آمریکا از طریق سوئیس ترک کرد اما در میانه راه، دچار عارضه مجدد قلبی شد. هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۳۰ دی ۱۳۷۳ خود نوشته است: «آقای [محمود] واعظی، [معاون اروپا و امریکای وزارت امور خارجه]، اطلاع داد که مهندس [مهدی] بازرگان در زوریخ [سوئیس]، هنگام سوار شدن به هواپیما برای سفر به آمریکا جهت معالجه، در پله‌های هواپیما سگته و فوت کرده و بناست جنازه‌اش را به خواست خانواده‌اش، با اولین هواپیما به ایران بیاورند.» روز اول بهمن ماه خبر درگذشت او به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب اسلامی در رسانه‌ها منتشر شد و بازتاب قابل توجهی داشت و مسئولان نظام برای تکریم او از هیچ کوششی دریغ نوزیدند، تا آنجا که نهضت آزادی در اطلاعیه‌ای بدان اذعان داشت که «باید یادآور شویم که در انتقال پیکر به تهران و تشییع آن و نیز برگزاری مجالس ختم نه تنها از سوی دولت و مسئولان ممانعتی به عمل نیامد بلکه بعضی از مقامات و مسئولان به طور مستقیم و غیرمستقیم ولی عمدتاً به صورت محدود و حساب‌شده از شخصیت مهندس بازرگان تجلیل کردند. پیام تسلیت مقام رهبری به آقای دکتر سحابی، پیام ریاست جمهوری به آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، پیام‌های تسلیت آیت‌الله سیدمحمد شیرازی، آیت‌الله حائری و آیت‌الله منتظری و حضور تعدادی از روحانیون در مراسم ختم در قم و تهران نیز جلوه‌های دیگر از بزرگداشت شخصیت مهندس بازرگان بود.»

### پیام تسلیت رهبری

بی‌تردید یکی از مؤثرترین اقدامات انقلاب بزرگداشت وی، پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی بود که با وجود همه بی‌مهری‌های گذشته در اقدامی معنادار، خطاب به دکتر پیدالله سحابی صادر شده بود. در این پیام بر کارنامه



به حساب می‌آمد و از مؤسسان آن بود؛ اما دو هفته پس از درگذشت بازرگان و در جلسه ۱۳ بهمن این حزب، ابراهیم یزدی - چهره فعال‌تر و دارای سابقه وزارت خارجه این گروه - به عنوان دبیرکل انتخاب شد.

ابراهیم یزدی دقیقاً یک هفته پس از دبیرکلی در مصاحبه با روزنامه کریستین ساینس مانیتور به دولت حمله کرد و گفت: «نهضت آزادی ایران، از همه طرف تحت فشار دولت قرار دارد. [کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، شواهدی را جمع‌آوری و منتشر کرده‌اند که حاکی از نقض جدی حقوق بشر در ایران است.»

علاوه بر رسانه‌های غربی و به ویژه امریکایی که به بهانه‌های مختلف، ناراضی خود را از محدودسازی این گروه لیبرال و غربگرا بازتاب می‌دادند، دولت آمریکا نیز در قانون داماتو برای تحریم ایران، رسماً یکی از علل تشدید فشار بر دولت و ملت ایران را وضعیت نهضت آزادی اعلام کرد. مهندس سحابی گفته که در فروردین ۷۴ در جلسه‌ای «حرفی را مطرح نمودم که دکتر یزدی نیز آن را تأیید کرد. در آن زمان طرحی در سنای آمریکا تصویب شده بود مبنی بر تحریم ایران... [داماتو] که در مقدمه طرحش یادآور شده بود در ایران حقوق بشر زیر پا نهاده می‌شود و شواهد آن رایجی موضوع بهائیان و دیگری نهضت آزادی، بیان کرده بود.»

### تغییر رویکرد انتخاباتی

در زمستان سال ۱۳۷۴ دکتر یزدی جان‌نشین مهندس بازرگان و دبیرکل گروه کوچک و نیمه‌جان نهضت آزادی به همراه چند تن دیگر، برای انتخابات پنجمین دوره مجلس ثبت نام کردند که صلاحیت آنها تأیید نشد. ولی با ظهور نشانه‌های تغییرات سیاسی پیش‌رو، از جمله ظهور حزب کارگزاران سازندگی که تمایلات و سوگیری‌های بازرگان لیبرالی داشت و به برخی مواضع نهضت آزادی نزدیک بود، به گفته یزدی: «از این تاریخ، نهضت وارد دوران تازه‌ای شد.» دکتر یزدی در بهمن ۷۴ از تولد این جریان استقبال کرد و گفت: «[کارگزاران سازندگی] از افراد متفکر و تحصیلکرده‌ای تشکیل شده است که به بحث و تبادل نظر آزاد در مورد مسائل داخلی و بین‌المللی عقیده دارد و هوادار سیستم سرمایه‌داری صنعتی است.» نشریه بهمن سخنگوی این جریان به مدیرمسئولی عطاءالله مهاجرانی معاون رئیس‌جمهور، به تجلیل از رهبران نهضت آزادی می‌پرداخت و برخی صفحات خود را به انعکاس نظرات نهضتی‌ها نیز اختصاص می‌داد که روابط پنهان مهاجرانی و برخی دیگر از مقامات دولت آقای هاشمی با نهضت آزادی، در حال بیرون زدن از پشت پرده بود. در اولین بیانیه «جمعی از کارگزاران سازندگی» مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ که مانیفست آن حزب محسوب می‌شد، با تأکید بر اینکه: «هاشمی و مجلس، دو کلمه مترادفند»، پیش‌بینی شده بود که در مجلس پنجم، نیروهای «تحت‌امر» سردار سازندگی و توسعه یعنی آقای هاشمی، حضور خواهند داشت.

با وجود بهبود زیرپوستی و روبه‌ترازید روابط نهضت آزادی تحت رهبری دکتر یزدی، با جناح اصلی دولت آقای هاشمی و تداوم آن طی سال‌ها، دکتر یزدی بعدها در همسویی با حملات جبهه اصلاحات علیه رئیس‌جمهور سازندگی، چند بار ارزیابی منفی خود از دولت مزبور را تکرار کرد و از جمله در آبان ۷۷ که تأکید کرد: «رفسنجانی زیربنای سیاسی حکومت را توسعه نداد و نظام سیاسی بسته را تداوم بخشید.» مع‌الوصف، دکتر یزدی چند بار اشاره کرده که مبدأ تجدید تحرک سیاسی نهضت آزادی پس از دهه شصت، انتخابات مجلس پنجم در دولت آقای هاشمی بود. از جمله این که وی گفته است: «ما در انتخابات دوره‌های قبل گفته بودیم که شرکت نمی‌کنیم و دلایل مان را هم گفته بودیم



که اگر آزادی‌ها قانونی نباشد، شرکت نمی‌کنیم ولی در انتخابات مجلس پنجم و بعد در ریاست جمهوری [هفتم] و بعد در انتخابات شورای شهر به شدت با تمام نیرو شرکت کردیم.» البته دکتر یزدی تأکید داشت که ریشه تغییر راهبرد نهضت آزادی را به زمان حیات مهندس بازرگان نسبت بدهد: «نهضت آزادی... در سال ۱۳۷۲ تصمیم گرفت با تمام توان وارد مبارزات انتخاباتی مجلس پنجم شود... این، یک سیاستی نبود که در زمان مرحوم مهندس بازرگان نباشد و بعد به وجود آمده باشد.»

### تداوم روند میرایی

با این وصف، می‌توان گفت نهضت آزادی در دوره پس از بازرگان رنگ و بوی متفاوتی یافت، اما تأثیر زیادی در روند میرایی آن نداشت. تا جایی که دیری نپایید که مواضع آن در جامعه ایران هیچ دنبال‌کننده جدی نداشت. وقتی دوره ابراهیم یزدی نیز با مرگ وی پایان یافت، یک خبرگزاری چنین برآیندی ارائه داد: «نسل سیاستمداران نهضت آزادی، پیش از ۴۰ سالگی انقلاب، روبه زوال و فراموشی است. سالخوردگان نهضت آزادی که هرگز نتوانستند بدنه جوان و پرشوری برای گروه‌شان دست و پا کنند، زود به آخر خط رسیده‌اند. وقت خداحافظی با پیرمردهای مطرود و مشکوک تاریخ انقلاب اسلامی فرا رسیده؛ دوران عبرت گرفتن از سرنوشت آنها و ورق زدن داستان‌شان، اما تازه آغاز شده.»

ابراهیم یزدی در کنار مهدی بازرگان



بی‌تردید یکی از مؤثرترین اقدامات برای بزرگداشت وی، پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی بود که با وجود همه بی‌مهری‌های گذشته در اقدامی معنادار، خطاب به دکتر پیدالله سحابی صادر شده بود. در این پیام بر کارنامه مبارزاتی وی تأکید شده و آمده بود: «ایشان یکی از مبارزان دیرین با رژیم ستمشاهی و نیز از جمله پیشروان ترویج و تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین بود»

دهه ۱۳۹۰، مقبره بیات قم، نمایی از مزار مهندس مهدی بازرگان

